

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره هفتم، بهار ۱۴۰۲: ۱۶۸-۱۳۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی

عوامل مرتبط با گرایش جوانان به تجرد (مورد مطالعه: استان همدان)

* سعید کیان پور

** امیرعلی فرهنگ

*** محسن حاجیان

چکیده

با توجه به نظر محققان علوم اجتماعی، خانواده، کوچک‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است و ازدواج، مبنای خانواده و امری مطلوب و واجب شرعی است. تئوری‌های مطرحی نیز در این زمینه وجود دارد که نشان می‌دهد تمایل به ازدواج در میان جوانان تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. گرایش به ازدواج در کشور، یکی از مسائل مهم محسوب می‌شود و تغییرات میزان گرایش به ازدواج در استان همدان به عنوان یکی از استان‌های کشور مورد مطالعه قرار گرفت. این تحقیق به روش پیمایشی در بین جوانان ۱۸-۳۵ ساله استان همدان در سال ۱۴۰۲ انجام شده است و با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۸ نفر از آنان برای مطالعه انتخاب و گزینش شدند. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار Spss تجزیه و تحلیل شد. نتایج حاصل از پژوهش برای گرایش به ازدواج بیانگر آن است که میان متغیرهایی چون دلبستگی به والدین، فردی بودن انتخاب همسر، انتظار آرمان‌گرایانه از ازدواج، داشتن تمکن مالی، اعتقاد به هزینه-فرصت ازدواج، معاشرت با جنس مخالف، ارتباط معنادار وجود دارد و با پذیرش برابری جنسیتی دارای عدم ارتباط است. در نهایت نتایج حاصل از رگرسیون نشان می‌دهد که پنج

s_kianpoor@pnu.ac.ir

s_farhang@pnu.ac.ir

mohsenhajian.eco@gmail.com

* نویسنده مسئول: استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

** استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

*** دانش‌آموخته کارشناسی گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران



متغیر دل‌بستگی به والدین، انتظار آرمان‌گرایانه از ازدواج، داشتن تمکن مالی، اعتقاد به هزینه-فرصت ازدواج، معاشرت با جنس مخالف می‌تواند ۶۰/۶ درصد از واریانس متغیر وابسته (گرایش به ازدواج) را تبیین نماید.

واژه‌های کلیدی: جوانان، مجرد زیستی، عوامل اقتصادی و اجتماعی، عوامل فرهنگی و خانوادگی و همدان.

مقدمه

در طول قرون وسطی، در اروپای غربی، آنچه جان هاجنال (۱۹۶۵) آن را الگوی ازدواج اروپای غربی نامیده است، پدیدار شد. مشخصه این مدل، افزایش سن در اولین ازدواج افراد و همچنین افزایش میزان مجرد به ویژه مجرد زنان بود که از ۱٪ به بیش از ۱۰٪ افزایش یافت (ر.ک: Dribe, 2014). برای مقایسه مکان‌های اروپایی و آسیایی، نویسندگانی مانند مالتوس (۱۷۹۸-۱۹۹۲)، این مکانیسم‌ها (افزایش سن ازدواج و میزان مجرد) را از جمله دلایل کاهش باروری و مرگ‌ومیر در سراسر دنیا ذکر کرده‌اند. افزایش سن ازدواج و همچنین نسبت بالای مجردان به طور مؤثر نرخ باروری را کاهش می‌دهد. افزایش تعداد کسانی که مجرد ماندند، از هیچ پیمان اجتماعی برای کنترل مازاد جمعیت ناشی نشد، بلکه قابل مقایسه با سن ازدواج- با مجموعه‌ای از هنجارهای اجتماعی حاکم بر بازار ازدواج تعیین شد (ر.ک: Dribe et al, 2014). این هنجارهای اجتماعی با عواملی مانند موقعیت اجتماعی و خانوادگی، سلامت، محیط و احترام اجتماعی مرتبط بودند. هرچند نمی‌توان همه این عوامل تعیین‌کننده را اندازه‌گیری کرد، از طریق شاخص‌های مختلف (فردی، خانوادگی، اقتصادی، اپیدمیولوژیک، تغذیه‌ای و فیزیکی) به آنها می‌توان نزدیک شد. همان‌طور که در سرتاسر جهان ازدواج، یکی از مسائل مهم و حیاتی اجتماعی محسوب می‌گردد، در ایران نیز ازدواج به یکی از مسائل مهم و ضروری برای توسعه و پیشرفت کشور تبدیل شده است.

یکی از چالش‌های مهم کشور، مجرد قطعی است. بنا بر آخرین آمار سرشماری در سال ۱۳۹۵، آمار مجرد قطعی در ایران حدود ۸۰ هزار نفر بود. بر اساس برآورد مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۱۴۱۰، (یعنی تا هشت سال دیگر) کشور با بیش از یک میلیون مجرد قطعی مواجه می‌شود. پیش‌بینی‌ها بیانگر آن است که جمعیت سالمندان تا حدود سی سال دیگر، بیش از یک‌سوم جمعیت کشور را شکل خواهد داد. بررسی آمارهای رسمی نشان می‌دهد که حدود ۱۲ میلیون مجرد در ایران وجود دارد که بیش از ۶ میلیون نفر از آنها پسران ۲۰ تا ۴۵ ساله هستند. نکته مهم این است که اگر این افراد وارد دوره مجرد قطعی شوند، بحران سالمندی در ایران، شکل و شمایل دیگری می‌یابد و دولت هم با چالش‌های بیشتری مواجه می‌شود.

برای سالمندان تنها، یکی از چالش‌های مهم سالمندی، مجرد قطعی آنهاست. مجرد قطعی به این معناست که افراد ازدواج نکرده و مجرد مانده‌اند. بر اساس بررسی‌های مرکز آمار ایران، مجرد قطعی که در سال ۱۳۷۵ برای مردان حدود ۱.۳۴ درصد و برای زنان ۱.۱۹ درصد بوده، در سال ۱۳۹۵ به ۲.۲۶ درصد برای مردان و ۳.۷۳ درصد برای زنان رسیده است. این آمار نشان می‌دهد، که روند افزایشی مجرد قطعی در زنان، بسیار بیشتر از مردان بوده، به طوری که طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ این شاخص برای مردان، حدود ۲ برابر شده، اما برای زنان بیش از سه برابر بوده است.

بر اساس آمار سازمان ثبت احوال کشور، میانگین سن اولین ازدواج مردان و زنان در سال ۱۳۹۸، به ترتیب ۲۷.۶ و ۲۳.۴ سال بوده است. همچنین حدود ۱۷ درصد از جمعیت مردان و زنان را افراد مجرد در سن مناسب ازدواج (مردان ۲۰ تا ۴۵ و زنان ۱۵ تا ۴۰ سال) تشکیل داده‌اند. سال ۱۳۹۰، آغاز دهه مجرد در ایران بود. مجردی که هرچند در دهه‌های پیش نیز در ایران دیده می‌شد، به واسطه تعداد زیاد متولدین دهه شصت - که حالا در دهه ۹۰، جوانانی در سن ازدواج بودند - رو به فزونی گذاشت. این آمار در سال ۹۰، حکایت از زندگی مجردی و تک‌نفره ۷.۱ درصد خانواده‌های ایرانی داشت. وزارت ورزش و جوانان در سال ۱۳۹۱، ارقامی را اعلام کرد که از زندگی مجردی حدود ۲۵ درصد دختران جوان خبر می‌داد. هرچند هم در ابتدای دهه ۹۰ و هم در سال ۹۵، آمار دقیقی از زندگی مجردی دختران و پسران ایرانی وجود نداشت، به استناد سخنان وزیر ورزش و جوانان در سال ۹۱، حدود ۳۰ درصد جوانان در شش کلان‌شهر تهران، شیراز، مشهد، اصفهان، تبریز و اهواز به تنهایی زندگی می‌کردند.

به نظر می‌رسد که مجرد قطعی بر ساختارهای اجتماعی در ایران تأثیر خواهد گذاشت. به این معنا که شیوه زندگی به سمت فردی شدن و ایجاد خانه‌ها و خانواده‌های تک‌نفره پیش خواهد رفت و خودبه‌خود با افزایش خانواده‌های یک‌نفره، امکان مشارکت در مراقبت کمتر خواهد شد. به همین دلیل مشاغل جدید ایجاد خواهد شد؛ چون هنگام بیماری و سالمندی، نیاز به خدمات اجتماعی افزایش می‌یابد. یعنی این دسته از افراد جامعه، از خدمات عاطفی و رایگان بستگان محروم شده، با مشکلاتی نظیر نارضایتی از زندگی و جامعه مواجه خواهند شد. از این‌رو با توجه به مشکلات پیش رو، به بررسی آسیب‌شناسی علل تمایل جوانان به مجرد زیستی در استان همدان پرداخته است.

طی سال‌های اخیر، ازدواج در ایران تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی قرار گرفته است و طبیعتاً یکی از این استان‌های تحت تأثیر، استان همدان است. طی هفت ماهه نخست سال ۱۴۰۲، ازدواج در استان همدان نسبت به مدت مشابه سال پیش، بیش از ۱۳ درصد کاهش داشته است. این کاهش چشمگیر ازدواج در استان همدان می‌تواند هشدار برای جامعه و کشور باشد که در صورت توجه نکردن به آن، آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی بازگشت‌ناپذیری را همراه خواهد داشت. همچنین در استان همدان، میانگین سنی ازدواج برای زنان ۲۵/۴ و برای مردان ۳۱/۵ سال است که نسبت به سال‌های گذشته افزایش داشته است (کاهش ۱۳.۵ درصدی ازدواج در استان همدان، ۱۴۰۲).

این آمار تنها یک روی سکه است؛ زیرا این گروه از جوانانی که در حال عبور از سن ازدواج هستند، همزمان در معرض تجرد قطعی نیز قرار گرفته‌اند. بنابراین پرسش اصلی این است که: سهم استان همدان از این تجردزدگی، چه میزان است؟ وقتی به این اعداد و ارقام نگاه می‌کنیم، ناخودآگاه توجه‌مان به خانواده، فامیل، شهر و شهرستان معطوف می‌شود که سهم استان همدان از این ۱۳ میلیون نفر، چه میزان است؟ چند درصد از این افراد دختر و چند درصد پسر هستند؟ چه راهکاری برای برون‌رفت از این مسئله می‌توان اندیشید؟ چه آسیب‌هایی در پی این تجردزدگی ایجاد خواهد شد و نقش ما در کم کردن این آسیب‌ها چیست؟

بنابراین هدف از این مطالعه، بررسی عوامل گرایش جوانان ۱۸-۳۵ سال استان همدان به تجرد در سال ۱۴۰۲ است. مطالعه حاضر سعی دارد به این پرسش‌ها پاسخ دهد: چه میزان عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تعیین‌کننده تمایل جوانان به ازدواج است؟ چه میزان ازدواج تحت تأثیر سن، تحصیلات، جنسیت و غیره قرار می‌گیرد؟

مبانی نظری

درباره ازدواج و تمایل به ازدواج در جوامع، دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است که می‌تواند تشخیص و بررسی علل بحران ازدواج در استان همدان را تسهیل سازد. نظریه

گزینش عقلانی که در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به کار می‌رود، به رفتار منطقی و عقلانی افراد اشاره دارد. این نظریه تأکید می‌کند که تصمیم‌هایی که افراد می‌گیرند، برای برآورده کردن نیازها و بهبود کیفیت زندگی اتخاذ می‌شود. در واقع افراد در انتخاب‌های خود تلاش دارند که به بهترین نتیجه ممکن دست یابند و این تصمیم‌ها بر اساس استناد به دلایل منطقی و منطبق بر منافع شخصی اتخاذ می‌شود (ر.ک: Oppenheimer, 2008).

نظریه گزینش عقلانی، با استفاده از مدل‌های خرد در علم اقتصاد به تفصیل بررسی شده است. بر اساس این نظریه، اگر افراد احساس کنند که ازدواج باعث افزایش رضایت و خوشبختی شخصی آنها خواهد شد، آنگاه اقدام به ازدواج می‌نمایند. به عبارت دیگر، اگر ازدواج باعث بهبود وضع مالی و اجتماعی فرد گردد و به او منافع بخشیده شود، افراد تمایل به گرفتن این تصمیم دارند. نظریه گزینش عقلانی دارای زیرمجموعه‌هایی نیز است که به صورت جداگانه بررسی می‌شود. برای مثال، نظریه هزینه-فرصت، نظریه پیشینه‌سازی سود، فرضیه جذابیت اقتصادی-اجتماعی ازدواج و انگاره اروپایی ازدواج از جمله این زیرمجموعه‌ها هستند (ر.ک: بودن، ۱۳۷۳).

نظریه هزینه-فرصت به تفصیل بررسی می‌کند که چگونه افراد در انتخاب همسر خود، هزینه‌ها و فرصت‌ها را در نظر می‌گیرند. بر اساس این نظریه، افراد در انتخاب همسر خود سعی می‌کنند که هزینه‌های مرتبط با ازدواج را کمینه کنند و همچنین از فرصت‌هایی که با ازدواج به آنها می‌رسد، بهره‌برداری کنند (ر.ک: Jelnov, 2023). نظریه پیشینه‌سازی سود، فرایند تصمیم‌گیری را از دیدگاه اقتصادی بررسی می‌کند. بر اساس این نظریه، افراد هنگام انتخاب همسر سعی می‌کنند تا با انتخاب شریکی که بیشترین سود را برای خود به ارمغان می‌آورد، بهترین نتیجه را به دست آورند. سود در اینجا به معنای بهره‌برداری از منافع مالی، اجتماعی و عاطفی مرتبط با ازدواج است (ر.ک: French & Meltzer, 2019). فرضیه جذابیت اقتصادی-اجتماعی ازدواج درباره میزان جذابیت اقتصادی و اجتماعی ازدواج برای افراد صحبت می‌کند. افراد در انتخاب همسر خود تمایل دارند تا با انتخاب شریکی که در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، جذابیت بالایی دارد، بهترین نتیجه را به دست آورند. به عبارت دیگر، در نظر گرفتن عوامل مرتبط با مالیات، شغل، تحصیلات، وضعیت اجتماعی و سایر عوامل مشابه در انتخاب همسر، نقش

مهمی ایفا می‌کند. انگاره اروپایی ازدواج نیز به تأخیر انداختن ازدواج تا زمان به دست آوردن امکانات مادی مطلوب اشاره دارد. برخی افراد معتقدند که بهتر است تا پس از رسیدن به یک وضعیت مالی مطلوب و استقلال مالی، به ازدواج بپردازند. این انگاره اروپایی نشان می‌دهد که عوامل مادی و مالی در فرایند تصمیم‌گیری افراد درباره ازدواج، تأثیر قابل توجهی دارد (ر.ک: Maliki, 2011). به طور کلی نظریه‌گزینه‌های عقلانی به وضوح نشان می‌دهد که تصمیم‌های ازدواجی افراد بر اساس استناد به دلایل منطقی و منافع شخصی اتخاذ می‌شود. این نظریه با استفاده از زیرمجموعه‌های مختلف خود، مانند نظریه هزینه-فرصت، نظریه بیشینه‌سازی سود، فرضیه جذابیت اقتصادی-اجتماعی ازدواج و انگاره اروپایی ازدواج می‌تواند به توضیح عوامل و متغیرهای مختلفی که در فرایند تصمیم‌گیری افراد نقش دارند، کمک کند.

نظریه گذار جمعیتی به تغییراتی اشاره دارد که در زمینه ازدواج و باروری رخ می‌دهد. این نظریه در ارتباط با تحول اقتصادی از سیستم‌های بر پایه کشاورزی به سیستم‌های بر پایه صنعتی برجستگی دارد. با تغییر به سمت اقتصادی صنعتی، تأثیرات عمده‌ای بر نرخ باروری و نرخ مرگ‌ومیر جامعه دیده می‌شود. یکی از تغییرات مهمی که در اثر این گذار رخ می‌دهد، کاهش در میزان ازدواج است. افراد در اجتماعات صنعتی در طول عمر خود به تأخیر ازدواج می‌اندیشند و ممکن است تأخیر طولانی‌تری در انجام ازدواج داشته باشند. عواملی مانند تحصیلات بیشتر، فرصت‌های شغلی گسترده‌تر، افزایش استقلال مالی، تغییر در اولویت‌ها و اهمیت‌ها و حتی تغییر در نگرش‌ها نسبت به ازدواج به این تغییرات در میان اجتماعات صنعتی کمک می‌کنند (سرای و اوجاقلو، ۱۳۹۲: ۸).

علاوه بر آن در سن اولین ازدواج نیز تغییراتی مشاهده می‌شود. افراد در اجتماعات صنعتی معمولاً تمایل دارند تا سن اولین ازدواج را به تأخیر بیندازند و به جای آن به تحصیلات بیشتر و پیشرفت حرفه‌ای تمرکز کنند. این تحول به دلیل عواملی مانند افزایش سطح تحصیلات، افزایش پیچیدگی و طولانی‌تر شدن دوره تحصیل، افزایش هزینه‌های زندگی و تغییر در نگرش‌ها و ارزش‌ها رخ می‌دهد. همچنین افزایش هم‌خانگی‌ها نیز یکی از تغییرات اصلی است که در جامعه صنعتی مشاهده می‌شود. این امر به معنای افزایش تعداد افرادی است که در یک خانه مشترکاً زندگی می‌کنند، اما ازدواج نکرده‌اند. عواملی مانند افزایش هزینه‌های مسکن، تغییر در نگرش به ازدواج و

نقش زنان در جامعه و همچنین بهبود شرایط اقتصادی برای تکسرپرستان باعث افزایش هم‌خانگی‌ها می‌شود (رهبر، ۱۳۹۳: ۳۳).

تعداد طلاق‌ها نیز در جامعه صنعتی افزایش می‌یابد که این امر معمولاً به عوامل متنوعی برمی‌گردد. در یک جامعه صنعتی، فشارها و تنش‌های اجتماعی و اقتصادی بر روابط زناشویی افزایش می‌یابد. نیاز به تأمین اقتصادی مستقل، تحصیلات بالا، تغییر در نگرش‌ها نسبت به ازدواج، همگی عواملی هستند که می‌توانند به کاهش پایداری روابط زناشویی و افزایش طلاق‌ها منجر شوند (ر.ک: Sheykhi, 2020). همچنین در جامعه صنعتی، امکان ازدواج مجدد نیز کاهش می‌یابد. افراد پس از تجربه یک ازدواج ناکام اغلب با تردید و همچنین تجربه تلخی مواجه می‌شوند. بنابراین احتمال انتخاب ازدواج مجدد کاهش می‌یابد و برخی از افراد ترجیح می‌دهند تا به‌تنهایی زندگی کنند یا روابط غیر ازدواجی را ترجیح دهند (ر.ک: Stevenson & Wolfers, 2007). در ضمن تغییرات جمعیتی و اجتماعی در جامعه صنعتی نیز نقش مهمی در تغییرات ازدواج و باروری دارند. افزایش استقلال فردی و افزایش نقش زنان در جامعه، جنبه‌های جنسیتی برابری، تضعیف اقتدار مردان و افزایش استقلال اقتصادی زنان، همگی عواملی هستند که در ایجاد تغییرات در جامعه صنعتی تأثیرگذار هستند (ر.ک: Hendricks et al, 2009). به طور کلی نظریه گذار جمعیتی نشان می‌دهد که ازدواج و باروری در جوامع صنعتی با تغییرات قابل توجهی روبه‌رو است. این تغییرات شامل کاهش میزان ازدواج، افزایش در سن اولین ازدواج، افزایش هم‌خانگی‌ها، افزایش طلاق و کاهش ازدواج مجدد می‌شود. همچنین تغییرات جمعیتی و اجتماعی نیز در جامعه صنعتی تأثیرگذار هستند و به تغییرات در نگرش‌ها، ارزش‌ها و نقش زنان و مردان در جامعه منجر می‌شوند.

نظریه تغییرات فرهنگی اینگلهارت، بر این اصل تأکید دارد که تغییرات فرهنگی در جوامع به دلیل تحولات ساختاری و اجتماعی رخ می‌دهد و فرهنگ به عنوان یک نظام نسبتاً مستقل و معنادار در جامعه مطالعه می‌شود (ر.ک: Inglehart & Baker, 2000). اینگلهارت باور دارد که فرهنگ به عنوان یک سیستم متمایز از سایر زیرساختارهای اجتماعی مدنظر قرار می‌گیرد و تغییرات فرهنگی در جوامع به علت تحولات ساختاری و اجتماعی اتفاق می‌افتد و فرهنگ به صورت پویا و تحول‌پذیر تحلیل و بررسی می‌شود، به طوری که تحولات در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فناورانه، تأثیر قابل

توجهی را بر تغییرات فرهنگی در جامعه منجر می‌شود. هر جامعه و فرهنگ دارای خصوصیات و الگوهای خاص خود است و تغییرات فرهنگی نباید به صورت همسان در کل جوامع لحاظ شود (ر.ک: Yaseen & Osman, 2021).

نظریه جایگزینی نسلی^۱، سبب تفاوت ارزش‌های جوانان با بزرگترها را شرایط مختلف رشد آنها می‌داند (ر.ک: Dassonneville, 2013). اینگلهارت پیش‌بینی می‌کند که جایگزینی جمعیت از نسلی به نسل دیگر، به آرامی به تغییری طولانی از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی منجر می‌شود (ر.ک: Haller, 2002). نظریه مربوط به سبک زندگی و تحولات سبک زندگی جوانان به مطالعه رفتارها، ارزش‌ها، عقاید و تمایلات جوانان در جوامع مختلف می‌پردازد (ر.ک: Berger & Luckmann, 2023). این نظریه بر این اصل تأکید دارد که سبک زندگی جوانان تحت تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است و در طول زمان، تغییر و تحول می‌یابد. تحولات سبک زندگی جوانان نشان‌دهنده تغییرات در الگوهای رفتاری، مصرف فرهنگی، ارزش‌ها و اولویت‌های زندگی آنهاست (ر.ک: Döbler, 2022).

نوسازی در تصمیم‌های زندگی خانوادگی، مانند تصمیم درباره تشکیل خانواده و ازدواج را به طور عمده خود افراد اتخاذ می‌کنند. ازدواج‌هایی که با انتخاب آزاد همراه هستند، معمولاً با سن ازدواج بالاتری همراه هستند (لوکاس و میر، ۱۳۸۱: ۳۴). دیدگاه برابری جنسیتی به معنای برابری فرصت‌ها بین دو جنس است؛ برابری در آموزش، اشتغال، مشارکت اجتماعی و سایر زمینه‌ها. از نظر این دیدگاه، زنان در تلاشند تا در زمینه‌های ذکرشده، پایه‌پای مردان حرکت کنند (کاظمی‌پور، ۱۳۸۸: ۹). نظریه تورم رکودی به بررسی تأخیر در سن ازدواج در رابطه با شرایط اقتصادی از نظر رونق و رکود می‌پردازد. برای مثال در شرایط اقتصادی نامناسب و وجود بیکاری و تورم در کشور، فرد شرایط را ناسازگار پیش‌بینی می‌کند و ازدواج را به تأخیر می‌اندازد (ر.ک: حبیب‌پور و غفاری، ۱۳۹۰). در دیدگاه نوگرایی و اعتمادیابی‌گیدنز، کاهش اعتماد در روابط و انحرافات اخلاقی، ارتباطات را دچار تزلزل کرده (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۴۴)، ریسک ازدواج بالاتر می‌رود و احتیاط برای امر ازدواج افزایش می‌یابد (صانعی، ۱۳۸۷: ۳). به نقل از کریمی آکندی، ۱۳۹۰: ۱۸) و باعث تأخیر در ازدواج می‌شوند (بهنام، ۱۳۸۴: ۲۰). براساس نظریه بی‌سازمانی

اجتماعی، اگر اهدافی مانند ازدواج در دسترس نباشد یا دستیابی به آنها دشوار باشد، باید انتظار داشته باشیم راه‌های دیگری نیز وجود دارد؛ از جمله ابداع و انتخاب روابط دوستی با جنس مخالف (مجدالدین، ۱۳۸۶: ۱۴).

با توجه به رشد نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلف درباره ازدواج و تصمیم‌های خانوادگی، می‌توان گفت که تصمیم‌گیری درباره ازدواج تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارد. عواملی مانند سن، شرایط اقتصادی، دیدگاه‌های جنسیتی، اعتماد و نگرش‌های فردی می‌تواند در فرایند تصمیم‌گیری تأثیرگذار باشند. سن، یکی از عوامل مهم در تصمیم‌گیری درباره ازدواج است. در جوامع مختلف سن ازدواج ممکن است متفاوت باشد. برخی ممکن است در سنین جوان‌تر ازدواج کنند، در حالی که برخی دیگر تصمیم می‌گیرند تا موقعیت‌های مالی و شغلی بهتری داشته باشند و سپس ازدواج کنند (ر.ک: Saadati & Bagheri, 2018). همچنین تأخیر در سن ازدواج می‌تواند به عوامل اقتصادی مربوط باشد. در شرایط اقتصادی نامساعد مانند بیکاری و تورم، برخی افراد ممکن است تصمیم بگیرند ازدواج را به تعویق بیندازند تا شرایط بهتری برای تشکیل خانواده ایجاد شود. دیدگاه برابری جنسیتی نیز تأثیر زیادی در تصمیم‌گیری درباره ازدواج دارد. زنان امروزه در تلاشند تا در زمینه‌های مختلفی مانند تحصیلات، شغل و مشارکت اجتماعی با مردان رقابت کنند و برابری فرصت‌ها را حاصل کنند. این تغییرات در نگرش جامعه نسبت به نقش زنان و مردان می‌تواند تأثیر زیادی در تصمیم‌گیری درباره ازدواج داشته باشد. زنان ممکن است تصمیم بگیرند تا پیش از ازدواج، استقلال مالی و شغلی خود را برقرار کنند و سپس به تشکیل خانواده بپردازند. عوامل روان‌شناختی و اعتماد نیز در تصمیم‌گیری درباره ازدواج، نقش مهمی ایفا می‌کنند. کاهش اعتماد در روابط و وجود انحرافات اخلاقی می‌تواند باعث شکست و تزلزل در روابط عاطفی شود. این ممکن است باعث افزایش خطرپذیری در تصمیم‌گیری درباره ازدواج شود و افراد، احتیاط بیشتری در انتخاب همسر داشته باشند (ر.ک: شکوری و دیگران، ۱۳۹۷).

پیشینه تجربی

در سال ۲۰۱۰، یوروویچ^۱ (۲۰۱۰)، به مطالعه بحث گرایش ازدواج و متغیرهای اثرگذار

در این زمینه پرداخت و در مطالعه خود به این نتیجه رسید که ثبات درآمد و ثبات شغل، اثر مثبت و معناداری بر گرایش به ازدواج دارد. همچنین همانند دیگر تحقیقات، او نیز دریافت که محل سکونت، اثر مثبت و معناداری بر گرایش به ازدواج دارد.

حسین و اسلام (۲۰۱۳)، درباره نقش متغیر تحصیلات در زمان‌بندی ازدواج مطالعه کردند. این پژوهشگران در کار تحقیقی خود در بنگلادش مشاهده کردند که تحصیلات، تأثیر بسزایی در سن ازدواج و اثر مثبت در گرایش به ازدواج زنان دارد.

درباره گرایش به ازدواج و شاخص محل سکونت، محققان بسیاری در این زمینه به تحقیق پرداخته‌اند، از جمله گارن^۱ (۲۰۱۶)، ایکاماری^۲ (۲۰۰۵) و منچ^۳ و همکاران (۲۰۰۵). این پژوهشگران نیز به نتیجه تأثیر شاخص محل سکونت بر گرایش به ازدواج افراد دست یافتند.

آقایی و طاهری بنچناری (۱۳۹۲)، مطالعه جامعی درباره عوامل اجتماعی مربوط به تحصیلات انجام داده‌اند. آنها به این نتیجه رسیدند که بین شاخص تحصیلات و نگرش به سن ازدواج در دختران، رابطه معنی‌داری وجود دارد، اما میان شاخص تحصیلات و نگرش به سن ازدواج در پسران، رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

حسینی (۱۳۹۲) در پژوهشی تلاش کرده است که با روش تحلیلی و با تکیه بر آمار و اسناد و همچنین تحقیقات موجود، ضمن اشاره به برخی علل در بروز پدیده «مضیقه ازدواج» و تجرد دختران، برخی از مهم‌ترین عوارض و پیامدهای سوء این پدیده را گزارش کند. نتایج نشان می‌دهد که گرایش به استقلال اقتصادی، فشار برای ورود به دانشگاه و بازار کار، تضعیف پایبندی اخلاقی در روابط خانوادگی، گسترش روابط نامتعارف، گرایش به جرم و سوء مصرف مواد، بی‌هویتی و بروز اختلالات روانی را می‌توان از جمله عواقب احتمالی تجرد دختران برشمرد.

معمار و یزدخواستی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای، تجارب زیسته دختران شاغل ۳۰ تا ۴۹ سال را از تجرد بررسی کرده‌اند. روش این مطالعه، کیفی از سنخ روش پدیدارشناختی و با استفاده از مصاحبه‌های عمیق داده‌ها جمع‌آوری شده است. یافته‌های تحقیق نشان

می‌دهد که ترجیح تجرد به ازدواج در دهه‌های اخیر از یکسو تحت تأثیر وضعیت کلان اجتماعی و از سوی دیگر، بازتاب واکنش کنشگران در عرصه اجتماعی است.

رحیمی و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور، چگونگی تغییرات وضعیت تجرد مردان و زنان طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ را به صورت مقطعی و نسلی بررسی کرده‌اند. نتایج بررسی مقطعی نشان می‌دهد که طی سال‌های پیش‌گفته، درصد مجردها در گروه‌های مختلف سنی زنان و مردان افزایش یافته و به طور کلی ازدواج هر دو جنس با تأخیر مواجه شده است. البته در زنان، علاوه بر برجسته بودن تأخیر، الگوی سنی ورود به ازدواج نیز بیش از مردان دستخوش تغییر شده است.

چابکی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای کیفی به شناسایی عوامل تجرد قطعی در دختران با استفاده از اطلاعات، از طریق گردآوری مصاحبه نیمه‌ساختاریافته پرداخته است. جامعه مورد مطالعه را دختران ۴۵ سال و به بالای شهر تهران که خودخواسته قصد ازدواج ندارند، تشکیل می‌دهد که از میان آنها، ۲۳ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی مصاحبه شده است. مقوله‌ها در قالب سه مقوله محوری «نگاه آرمان‌گرایانه دختران به ازدواج»، «تغییر نگاه نسبت به جایگاه دختران در خانواده و شرایط اجتماعی»، «کاهش‌دهنده جاذبه ازدواج» طبقه‌بندی شد. با توجه به مقوله‌های محوری، مقوله هسته «آرمان‌گرایی برآمده از ارزش‌های فرامادی» شکل گرفت.

مهدوی و همکاران (۱۳۹۵)، مطالعه‌ای برای بررسی علل بی‌رغبتی جوانان شهری به ازدواج انجام دادند. در این پژوهش، نگرش مادی فرد، نگرش برابری جنسیتی، نگرش خانواده فرد به روابط پیش از ازدواج، نگرش دوستان فرد به روابط پیش از ازدواج، فردگرایی، تجددگرایی، بی‌اعتمادی اجتماعی، پایبندی به اعتقادات و ارزش‌های مذهبی، میزان حضور در فضاهای مجازی، میزان ارتباط با جنس مخالف در فضای مجازی به عنوان عوامل بی‌رغبتی جوانان شهری به ازدواج شناسایی شد.

حسینی و ایزدی (۱۳۹۵) در تحقیقی، شناخت دیدگاه‌ها و احساسات زنان مجرد را درباره تجرد و تجارب آنان از زندگی مجردی بررسی کرده‌اند. بدین منظور ۱۵ زن مجرد به روش نمونه‌گیری هدفمند در شهر تهران انتخاب شدند و جمع‌آوری اطلاعات با

استفاده از پرسش‌نامه و مصاحبه‌های عمیق فردی صورت گرفته است. تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که علی‌رغم تفاوت در علل تجرد (تجرد خودخواسته، تجرد ناخواسته)، بیشتر سوژه‌ها، احساسات دوگانه‌ای نسبت به تجرد دارند. آنها از یکسو از استقلال و آزادی ناشی از تجرد راضی و خشنود هستند و از سوی دیگر احساس تنهایی کرده، دیگران را به ازدواج توصیه می‌کنند.

عباسی شوازی و همکارانش (۱۳۹۶)، نظریه ایده‌آلیسم توسعه را با توجه به داده‌های موجود در شهر یزد جمع‌آوری نمودند و تخمین زدند. آنها دریافتند که تحصیلات والدین و درآمد، متغیرهایی هستند که در ایران در گرایش به ازدواج، نقش اساسی ایفا می‌کند.

عسکری ندوشن و همکارانش (۱۳۹۷) درباره رابطه میان تحصیلات و زمان‌بندی ازدواج به مطالعه پرداختند. آنها در این زمینه به این نتیجه رسیدند که بحث تحصیلات نسبت به دیگر شاخص‌ها، مهم‌ترین متغیر مؤثر در گرایش به ازدواج جوانان است.

حسینی و همکارانش (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای، تأخیر ازدواج در دختران ۲۵-۲۹ سال را بررسی نمودند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های کشور و نسبت تجرد مردان در تجرد و سن ازدواج، نقش مهمی دارد.

نیک‌پور و حسنعلی‌زاده (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای درباره زمان‌بندی ازدواج جوانان به این نتیجه رسیدند که در بخش جنوبی کشور، تمرکز افراد مجرد بسیار زیاد است. همچنین اثبات شد که این امر در بخش جنوب غربی و جنوب شرقی، شدت بیشتری دارد. در نهایت تمامی این پژوهش‌های اخیر، نتایج مشابه دارند و نشان‌دهنده عوامل مؤثر اقتصادی و اجتماعی مختلفی است.

پژوهش حاضر ضمن روزآمدسازی دستاوردهای مطالعاتی گذشته، به طور همزمان تحقیقات اخیر را به صورت زیر دسته‌بندی کرده است.

تاج‌بخش و محمدی (۱۳۹۹) در تحقیقی با روش پیمایشی، عوامل مؤثر بر گرایش به زندگی مجردی جوانان ۲۷-۳۵ ساله شهرستان خرم‌آباد را بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های میزان اعتقادات دینی، سطح انتظارات، لذت بردن از تجرد، وضعیت تحصیلی، وضعیت شغلی و شکاف نسلی در گرایش به زندگی مجردی جوانان تأثیر دارد.

شهبانواز و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی، احتمال وقوع آینده پیشران‌های مجرد در ایران ۱۴۱۴ را با ارائه فرضیه‌هایی برای آینده مجرد طراحی و بررسی کرده‌اند. احتمال وقوع شش فرض مطرح‌شده برای هر یک از پیشران‌های مجرد به تفکیک به دست آمد که در این میان، فرض «افزایش تأثیر رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی بر تغییر نگرش جوانان»، بالاترین درصد احتمال وقوع را از نظر متخصصان دارد. همچنین احتمال وقوع سناریوهای بالقوه، از کنار هم قرارگیری فرضیه‌ها با حالات مختلف به وجود آمد. حالتی در آینده که تمامی فرض‌ها رخ دهد، بالاترین احتمال وقوع را داشته است. نتایج تحلیل حساسیت نیز نشان می‌دهد که فرض تأثیر رسانه‌های جمعی، بالاترین میزان اثرگذاری بر سایر فرض‌ها را دارد که نشان‌دهنده میزان اهمیت آن بوده، لزوم توجه ویژه به آن در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری را آشکار می‌کند.

امامی و همکاران (۱۴۰۰) با هدف مطالعه وضعیت و تعیین‌کننده‌های مجرد جوانان در سطح شهرستان‌های ایران و با روش تحلیلی، ۴۲۹ شهرستان در سرشماری سال ۱۳۹۵ را بررسی کرده‌اند. بر پایه یافته‌ها، شهرستان‌هایی در غرب و جنوب غرب کشور، بالاترین نسبت‌های مجرد و در مقابل، شهرستان‌هایی در مرکز و شمال شرق کشور، پایین‌ترین نسبت‌های مجرد را برای هر دو جنس دارند. نسبت‌های مجرد، ارتباط معکوسی با نسبت‌های باسوادی و فعالیت و ارتباط مستقیمی با نسبت بیکاری دارند.

علیزاده و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی، اثربخشی آموزش خودشفقت‌ورزی بر ادراک اجتماعی مجرد و باور به دنیای عادلانه در دختران مجرد به روش پرسشنامه‌ای و با نمونه آماری از دانشگاه شهید باهنر را انجام داده‌اند. داده‌ها به روش تحلیل کواریانس چندمتغیره و تک‌متغیره تحلیل شد. یافته‌ها نشان داده که آموزش خودشفقت‌ورزی بر ادراک اجتماعی مجرد و باور به دنیای عادلانه در دختران مجرد، مؤثر است. با توجه به افزایش سن ازدواج در دختران جامعه، می‌توان از آموزش خودشفقت‌ورزی برای بهبود سلامت روان این افراد استفاده کرد.

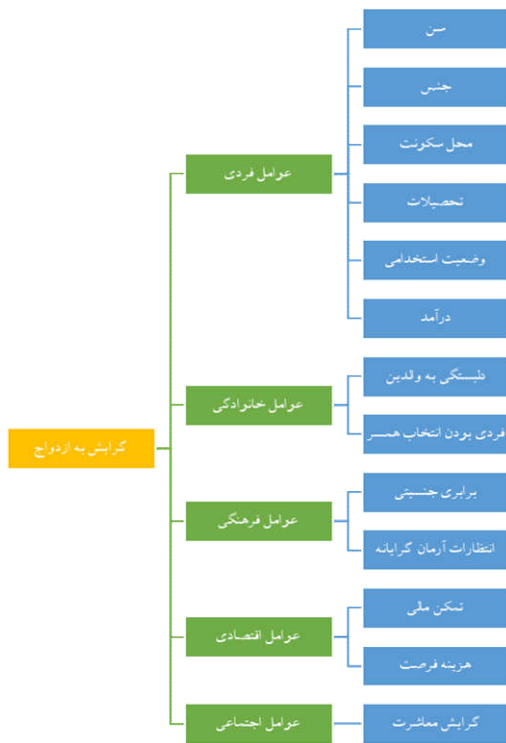
جدول ۱- خلاصه عوامل مؤثر بر گرایش ازدواج در مطالعات انجام شده

نویسندگان	زیرعوامل مؤثر بر گرایش به ازدواج	عوامل مؤثر بر ردیف تأخیر ازدواج	ردیف
Bloome & Ang, 2020; Song Lee et al, 2016; Saadati & Bagheri, 2018; Salem, 2016; Yu & Xie, 2015; Phonchua et al, 2017; Schneider et al, 2019; Gebel & Heyne, 2016 شکوری و دیگران، ۱۳۹۷؛ فضل‌الهی قمشی و جهان‌بخشی، ۱۳۹۷؛ شعاع کاظمی و فرازنده‌پور، ۱۳۹۸؛ مرادی و صفاریان، ۱۳۹۱؛ انتظاری و دیگران، ۱۳۹۶؛ عسکری ندوشن و دیگران، ۱۳۹۷؛ التجایی و عزیززاده، ۱۳۹۵؛ رضادوست و ممبئی، ۱۳۹۰؛ حسینی و دیگران، ۱۳۹۸؛ فخرایی و پورتقی، ۱۳۹۴	پایگاه اقتصادی و اجتماعی وضعیت اشتغال وضعیت اقتصادی وضعیت درآمد وضعیت مسکن تورم	عوامل اقتصادی و اجتماعی	۱
شعاع کاظمی و فرازنده‌پور، ۱۳۹۸؛ شکوری و دیگران، ۱۳۹۷؛ محمدپور و تقوی، ۱۳۹۲؛ خلیج‌آبادی فراهانی و دیگران، ۱۳۹۲ Saadati & Bagheri, 2018; Kashyap et al, 2015; Lewin, 2012; Phonchua et al, 2017	تجملات در ازدواج لذت بردن از مجردی انتظارات جوانان انتظارات خانواده‌ها گسترش انواع سبک‌های شریک‌گزینی تجمل‌گرایی	عوامل فردی و جمعیتی	۲
Saadati & Bagheri, 2018	تعداد فرزندان و وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده	عوامل خانوادگی	۳

با توجه به وجود عوامل متعدد مؤثر بر گرایش ازدواج، مطالعات صورت گرفته در ایران نیز هر کدام بر مباحث خاصی تأکید داشته است و پژوهش‌ها در مناطق مختلفی انجام شده است. درباره استان همدان، مطالعه‌ای برای بررسی عوامل مؤثر بر گرایش ازدواج مشاهده نشده است و از طرف دیگر با وجود خلأهای موجود، مطالعات بیشتر و دقیق‌تر در زمینه تجرد در ایران می‌تواند به شناخت بهتر از این پدیده و نقاط ضعف و قوت آن در جامعه کمک کند و به شکل‌دهی به سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مؤثر در این حوزه کمک کند.

مدل نظری پژوهش

بر اساس مباحث نظری و پیشینه می‌توان ارتباط میان متغیر مستقل (دلبستگی به والدین، فردی بودن انتخاب همسر، انتظار آرمان‌گرایانه از ازدواج، داشتن تمکن مالی، اعتقاد به هزینه-فرصت ازدواج، معاشرت با جنس مخالف و پذیرش برابری جنسیتی) و متغیر وابسته (گرایش به ازدواج) در تحقیق را با استفاده از مدل تحقیقی شکل (۱) به صورت زیر نشان داد:



شکل ۱- مدل تحلیلی عوامل مؤثر بر گرایش به ازدواج

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین دلبستگی به والدین و گرایش به ازدواج، رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین فردی بودن انتخاب همسر و گرایش به ازدواج، رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین برابری جنسیتی و گرایش به ازدواج، رابطه معناداری وجود دارد.
۴. بین انتظارات آرمان‌گرایانه و گرایش به ازدواج، رابطه معناداری وجود دارد.
۵. بین تمکن مالی و گرایش به ازدواج، رابطه معناداری وجود دارد.
۶. بین هزینه- فرصت و گرایش به ازدواج، رابطه معناداری وجود دارد.
۷. بین گرایش معاشرت و گرایش به ازدواج، رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

شیوه نمونه‌گیری از نوع در دسترس بود، بدین صورت که افراد مجرد در دسترس به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. همچنین مناسب‌ترین تکنیک، مصاحبه با استفاده از ابزار پرسشنامه است و در این تحقیق از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است. پرسشنامه نیز ترکیب مجموعه‌ای از گویه‌ها و به شکل طیف لیکرت^۱ با گزینه‌های «کاملاً موافقم، موافقم، تاحدودی، مخالفم و کاملاً مخالفم» است. جامعه آماری تحقیق حاضر، جوانان مجرد ۱۸-۳۵ سال استان همدان است. در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۸۸ نفر به دست آمد و برای تعیین اعتبار از «روش صوری» استفاده شده است. همچنین برای پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد که میزان آن در جدول زیر مشخص است:

جدول ۲- پایایی پرسشنامه

عوامل	متغیرها	تعداد گویه‌های اولیه	مقدار آلفای کرونباخ
فردی	گرایش به ازدواج	۶	۰/۷۰۲
خانوادگی	دلبستگی به خانواده	۳	۰/۷۲۳
	فردی بودن انتخاب همسر	۴	۰/۷۸۱
فرهنگی	برابری جنسیتی	۶	۰/۸۰۱
	انتظارات آرمان‌گرایانه	۸	۰/۷۰۰
اقتصادی	تمکن مالی	۳	۰/۷۰۴
	هزینه- فرصت	۴	۰/۷۸۴
اجتماعی	گرایش معاشرت	۵	۰/۶۹۵

یافته‌های پژوهش

الف) سیمای آماری پاسخگویان

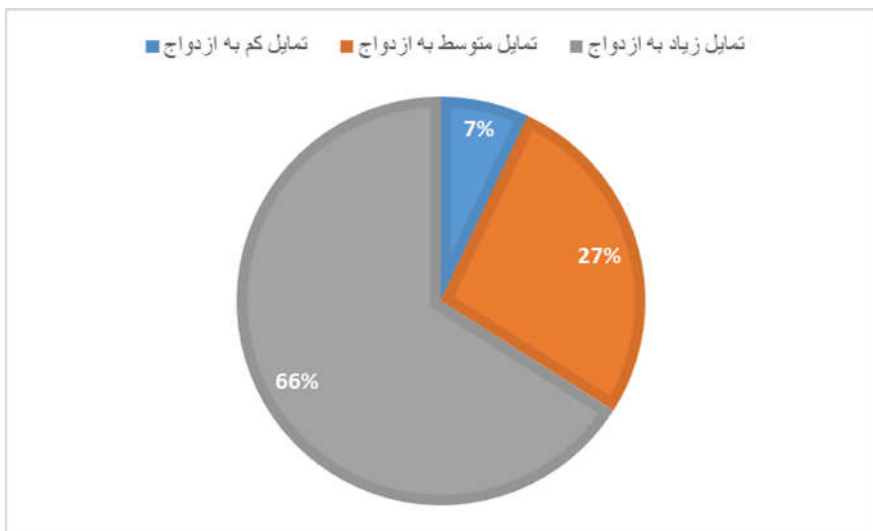
در این پژوهش، ۹۸ درصد پاسخگویان از تلفن همراه برای پاسخ‌دهی استفاده کرده‌اند. همچنین نرخ پاسخ‌دهی، ۶۱ درصد و میانگین زمان پاسخ‌ها، ۱۷ دقیقه بود. ۶۳

1. Likert scale

درصد پاسخگویان را خانم‌ها و ۳۷ درصد را آقایان تشکیل داده‌اند. اکثریت جوانان یعنی ۷۶ درصد آنها اعلام کرده‌اند که در حال حاضر همراه با والدینشان زندگی می‌کنند. پرسش از وضعیت تحصیلی جوانان ۱۸-۳۵ ساله استان مورد بررسی نشان می‌دهد که تنها ۱۹ درصد از آنها دارای مدرک تحصیلی دیپلم، ۱ درصد کمتر از آن و ۹ درصد دارای مدرک کاردانی بوده‌اند. اما نزدیک به نیمی از پاسخگویان (حدود ۴۸ درصد) مدرک تحصیلی کارشناسی داشته‌اند. حدود ۱۸ درصد، مدرک کارشناسی ارشد و ۵ درصد نیز مدرک دکتری داشته‌اند. از نظر استخدامی، ۴۴ درصد از پاسخ‌دهندگان بیکار، ۳ درصد کارگر، ۱۸ درصد دارای کار آزاد، ۱۷ درصد کارمند و ۵ درصد کشاورز بودند.

ب) یافته‌های توصیفی پژوهش

در این پژوهش، یکی از مهم‌ترین نتایج، میزان گرایش جوانان مورد مطالعه به ازدواج است که بر اساس نمودار زیر می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر جوانان استان همدان، تمایل به ازدواج و تشکیل خانواده دارند.



شکل ۲- نمودار میزان تمایل جوانان استان همدان به ازدواج

یافته‌های تحقیق در رابطه با سنجش میزان گرایش به ازدواج جوانان نشان می‌دهد که ۷۰۶ درصد آنها تمایل کمی به ازدواج دارند. نزدیک به ۶۶ درصد پاسخگویان، گرایش

زیادی به ازدواج و تشکیل خانواده دارند و این امر در بین ۲۷ درصد جوانان در حد متوسط است.

سنجش دل‌بستگی جوانان به والدینشان نشان می‌دهد که تنها ۸.۱ درصد از آنها پیوند و دل‌بستگی پایینی با والدینشان دارند. اما از طرف دیگر، ۳۶ درصد پاسخگویان گفته‌اند که دل‌بستگی بالا و ۴۵ درصد آنها اظهار داشته‌اند که دل‌بستگی بسیار بالا با والدین خود دارند. این امر در میان ۸.۱۶ درصد پاسخگویان در حد متوسط بوده است. یافته‌های تحقیق در رابطه با دیدگاه‌های جوانان درباره میزان اهمیت دیدگاه و نظرات فردی و خانوادگی در امر ازدواج و انتخاب همسر نشان می‌دهد که ۴.۱۲ درصد پاسخگویان اختیار بیشتر و در واقع انتخاب نهایی را منوط به نظر خانواده کرده‌اند و یا اینکه در خانواده آنها، انتخاب همسر امری جمع‌گرایانه است. اما ۴۱ درصد از پاسخگویان، انتخاب همسر را بر اساس توافق و اشتراک در دیدگاه‌های خود فرد و خانواده آنها دانسته‌اند. در این بین، تنها ۳۷ درصد پاسخگویان گفته‌اند که اولویت با نظرات خود طرفین است و انتخاب همسر وابسته به نظرات خود فرد است و ۹ درصد کاملاً فردگرایانه به این دیدگاه نگاه می‌کنند.

یافته‌های تحقیق در زمینه سنجش نگرش جوانان نسبت به برابری جنسیتی در حوزه خانواده و نقش‌های خانوادگی نشان می‌دهد که برحسب گویه‌های یادشده و دسته بندی بالا، ۴۵ درصد از جوانان، نگرش کاملاً مثبتی نسبت به برابری جنسیتی ابراز کرده‌اند و در واقع آنها اعتقاد کاملی به برابری جنسیتی بین زن و مرد داشته‌اند. اما با یک درجه تسامح، ۳۶ درصد پاسخگویان، نگرش مثبتی به برابری جنسیتی داشته‌اند و آن را تا حد زیادی می‌پذیرند و قبول دارند. مشاهده فراوانی ۱۷ درصد در مقابل مقوله بینابین و حد متوسط، نشان‌دهنده حرکت این بخش از پاسخگویان در مرز بین پذیرش برابری جنسیتی و رد آن است. در این میان، حدود ۲ درصد از پاسخگویان، نگرشی کاملاً منفی به برابری جنسیتی دارند و چندان آن را بر نمی‌تابند.

یافته‌ها درباره ارزیابی انتظارات جوانان از ازدواج نشان می‌دهد که آنها عموماً انتظارات حد متوسطی (ترکیبی از انتظارات آرمان‌گرایانه و واقع‌گرایانه) از ازدواج داشته‌اند، به صورتی که ۵۱ درصد پاسخگویان در این بازه قرار می‌گیرند. اما در این رابطه می‌توان گفت که حدود ۴۴ درصد پاسخگویان، انتظارات زیادی از ازدواج خود ابراز کرده‌اند.

نتایج تحقیق درباره سنجش توان مالی و تمکن اقتصادی جوانان مجرد نشان می‌دهد که بیشتر آنها اعلام کرده‌اند که تمکن مالی مناسبی ندارند. حدود ۳۶ درصد آنها، وضعیت تمکن اقتصادی خود را بسیار پایین و پایین گزارش نموده‌اند. این افراد نه تنها خودشان وضعیت مالی خوبی برای اقدام به ازدواج نداشته‌اند، بلکه حمایتی نیز از طرف خانواده خود کسب نمی‌کنند. در این میان، ۳۵ درصد، وضعیت خود را متوسط ارزیابی کرده‌اند و تنها ۲۴ درصد گفته‌اند که در مجموع و با توجه به حقوق دریافتی و حمایت‌های دیگر، شرایط مالی و اقتصادی مناسبی برای ازدواج دارند و ۶ درصد بسیار مناسب. بر این اساس می‌توان گفت که ضعف بنیه مالی در بین جوانان به وضوح مشخص است.

باتوجه به یافته‌های تحقیق به نظر می‌رسد که جوانان مورد بررسی، اعتقاد کمی به هزینه- فرصت محور بودن ازدواج دارند. به بیان دیگر ازدواج، هزینه- فرصت کمی در پی دارد و پس از ادواج نیز می‌توان به اهداف و خواسته‌های خود رسید. در پاسخ به سوال هزینه- فرصت ازدواج، ۷۳ درصد گزینه کم را انتخاب کرده‌اند. البته ۲۲ درصد از پاسخگویان گفته‌اند که از این نظر، ازدواج تا حدودی هزینه دارد. اما نکته جالب آنکه به جز ۵ درصد که هزینه- فرصت زیاد برای ازدواج قائلند، هیچ‌کدام از پاسخگویان معتقد نبوده‌اند که ازدواج، هزینه- فرصت بسیار زیادی را تحمیل می‌کند.

مشاهده وضعیت گرایش به معاشرت‌های دوستانه با جنس مخالف در بین جوانان مورد بررسی نشان می‌دهد که تقریباً ۴۰ درصد پاسخگویان، مخالفت شدید و نسبتاً شدید خود را با معاشرت‌های دوستانه با جنس مخالف اعلام کرده‌اند. در نظر آنها برقراری چنین روابط و تعاملاتی، نامطلوب ارزیابی شده است. اما نزدیک به نیمی از پاسخگویان یعنی ۴۳ درصد آنها به نوعی موافقت محدود و مشروط خود را با برقراری تعاملات دوستانه با جنس مخالف ابراز نموده‌اند. در نظر این عده، در مواردی و برحسب مصداق و موقعیت می‌توان تعاملات مشروطی برقرار نمود. تنها ۱۷ درصد جوانان مورد بررسی در زمینه معاشرت با جنس مخالف در قالب روابط دوستانه و شاید جایگزین ازدواج، موافق بوده‌اند.

ج) یافته‌های تحلیلی و استنباطی

نتیجه آزمون فرضیه‌های پژوهش درباره متغیرهای مستقل و تمایل به ازدواج جوانان در جدول زیر بیان شده است.

جدول ۳- نتیجه آزمون فرضیه‌های پژوهش درباره متغیرهای مستقل و تمایل به ازدواج در بین جوانان

نتیجه	سطح معناداری	ضریب همبستگی (r)	شاخص آماری / فرضیه
تأیید فرضیه	۰/۰۰	۰/۱۸	دل‌بستگی به والدین * گرایش به ازدواج
تأیید فرضیه	۰/۰۰۸	-۰/۱۳۴	فردی بودن انتخاب همسر * گرایش به ازدواج
عدم تأیید فرضیه	۰/۲۲۲	۰/۶۲	پذیرش برابری جنسیتی * گرایش به ازدواج
تأیید فرضیه	۰/۰۰۹	-۰/۱۳۲	انتظار آرمان‌گرایانه از ازدواج * گرایش به ازدواج
تأیید فرضیه	۰/۰۰۰	۰/۳۷۳	داشتن تمکن مالی * گرایش به ازدواج
تأیید فرضیه	۰/۰۰۰	۰/۴۳۰	اعتقاد به هزینه- فرصت ازدواج * گرایش به ازدواج
تأیید فرضیه	۰/۰۰۰	۰/۲۸۸	معاشرت با جنس مخالف * گرایش به ازدواج

در ادامه برای بررسی فرایند علت و معلولی، نتایج رگرسیون چندمتغیره به روش همزمان انجام شد و نتایج در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۴- مشخص‌کننده‌های آماری، میزان و جهت تأثیر متغیرهای مستقل بر گرایش به ازدواج

متغیر	ضریب بتا غیراستاندارد	خطای استاندارد	ضریب بتا استاندارد شده	t	سطح معنی‌داری
مقدار ثابت	۱/۰۶۳	۰/۳۴۶	-	۳/۰۶۷	۰/۰۰۲
دل‌بستگی به والدین	۰/۰۸۳	۰/۰۴۹	۰/۰۷۸	۱/۷۰۶	۰/۰۸۹
فردی بودن انتخاب همسر	۰/۰۵۸	۰/۰۴۵	۰/۰۶۰	۱/۲۸۷	۰/۱۹۹
انتظارات آرمان‌گرایانه	-۱/۹۶	۰/۰۷۱	-۱/۲۲	-۲/۷۷۰	۰/۰۰۶
تمکن مالی	۰/۲۲۰	۰/۰۴۰	۰/۲۵۴	۵/۴۷۱	۰/۰۰۰
هزینه-فرصت	۰/۲۸۴	۰/۰۴۴	۰/۳۰۲	۶/۴۴۷	۰/۰۰۰
گرایش معاشرت	۰/۲۱۴	۰/۰۴۶	۰/۲۱۲	۴/۶۵۲	۰/۰۰۰
خلاصه مدل					
ضریب همبستگی R	R ²		F	سطح معناداری	
۰/۷۵۴	۰/۶۰۶		۲۸/۰۵۶	۰/۰۰۰	

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که مجموع متغیرهای مستقل انتخاب‌شده، همبستگی بالایی (۰/۷۵) با متغیر وابسته تحقیق دارند و این متغیرها توانسته‌اند حدود ۶۰ درصد واریانس متغیر گرایش به ازدواج را تبیین کنند. همچنین نتایج آزمون F بیانگر مناسب بودن متغیرهای واردشده به مدل رگرسیونی است.

یافته‌های حاصل از رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد که از مجموع متغیرهای واردشده به مدل، تنها متغیر فردی بودن انتخاب همسر (به دلیل وجود میزان خطای کمتر از ۰/۰۵) تأثیر معناداری در گرایش به ازدواج جوانان ندارد و بقیه متغیرها، معنادار هستند و می‌توانند تغییرات این متغیر را پیش‌بینی نمایند که تأثیر برخی از آنها کاهش یافته و برخی دیگر افزایش یافته است. به دلیل تفاوت در مقیاس هر یک از متغیرهای

مورد بررسی، بهتر است برای ارزیابی شدت و جهت اثرگذاری متغیرهای واردشده به مدل، به ستون ضریب بتای استانداردشده مراجعه نمود. میزان و جهت اثرگذاری در جدول (۴) آمده است. از این رو از ارائه توضیحات اضافی خودداری می‌شود. نکته‌ای که برای خوانش ضرایب مهم است اینکه ضریب بتای استانداردشده برحسب مقدار انحراف استاندارد ارزیابی می‌شود؛ به صورتی که مثلاً با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در متغیر گرایش معاشرت، گرایش به ازدواج نیز به میزان $0/21$ انحراف معیار افزایش می‌یابد. بر این اساس با توجه به میزان ضریب بتای استاندارد، انتظارات آرمان‌گرایانه، بیشترین و دلبستگی به ازدواج، کمترین تأثیر معنادار را بر گرایش به ازدواج داشته‌اند. همچنین آزمون عوامل فردی برای سنجش ویژگی‌های فردی و گرایش به ازدواج نیز به صورت زیر ارزیابی شد.

جدول ۵- بررسی روابط میان عوامل فردی و گرایش به ازدواج

سطح معنی‌داری (Sig)	مقدار آزمون	متغیرهای جمعیتی
0/066	-0/094	جنسیت * گرایش به ازدواج
0/086	0.087	سن * گرایش به ازدواج
0/636	-0/024	درآمد * گرایش به ازدواج
0/810	0/012	تحصیلات * گرایش به ازدواج
0/829	-0/011	محل سکونت * گرایش به ازدواج
0/322	-0/050	وضعیت استخدام * گرایش به ازدواج

در جدول بالا، ارتباط میان متغیرهای عوامل فردی با متغیر اصلی پژوهش یعنی گرایش به ازدواج در میان جوانان با استفاده از آزمون‌های مربوطه بررسی شده است. همبستگی میان جنسیت و گرایش به ازدواج، معنادار نیست. از آنجایی که رابطه معناداری مشاهده نشد، نمی‌توان به مقایسه میانگین گرایش به ازدواج در بین دو جنس پرداخت. این یافته نشان‌دهنده این است که زنان و مردان مورد بررسی دارای گرایش یا عدم گرایش تقریباً یکسانی هستند. بررسی همبستگی میان سن و گرایش به ازدواج نیز نشان می‌دهد بین این دو، رابطه‌ای وجود ندارد و نمی‌توان گفت کدام سنین یا گروه‌های

سنی، گرایش بیشتر یا کمتری به ازدواج دارند. همچنین یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که ارتباطی میان تحصیلات و گرایش به ازدواج وجود ندارد. از این رو نمی‌توان گفت جوانانی که مدرک تحصیلی پایین‌تر یا بالاتری دارند، در گرایش به ازدواج نیز متفاوت هستند.

به طور کلی بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، گرایش یا عدم گرایش به ازدواج جوانان مجرد، ارتباطی با جنسیت، سن، محل سکونت آنها، تحصیلات، وضعیت استخدام و میزان درآمد آنها ندارد. به بیان دیگر، گرایش به ازدواج تحت تأثیر عوامل یادشده نیست و برای تبیین گرایش یا عدم گرایش جوانان به ازدواج باید در پی دلایل و متغیرهای دیگر بود.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت ازدواج در کشور، این تحقیق با هدف بررسی گرایش به تجرد جوانان ۱۸-۳۵ سال استان همدان به رشته تحریر درآمد. بر اساس شکل (۲) می‌توان نشان داد که اکثر جوانان استان همدان تمایل به ازدواج و تشکیل خانواده دارند. از این رو فرضیه‌های زیر بررسی شد که از جداول ۲ و ۳ و ۴ و ۵ برای تفسیر نتایج استفاده شده است.

ارزیابی فرضیه اول: فرضیه یادشده مبنی بر وجود رابطه معنادار میان دلبستگی به والدین و گرایش به ازدواج در بین جوانان مورد آزمون قرار گرفت که بر اساس یافته‌ها، می‌توان گفت رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود دارد. به بیان ساده‌تر ممکن است فردی، دلبستگی زیادی به والدین خود و تعاملات دوستانه‌ای با آنها داشته باشد، اما به ازدواج گرایش داشته باشد. همچنین نتیجه این فرضیه با یافته‌های نوروزی و همکاران (۱۴۰۱) در یک راستا قرار دارد و به نقش رابطه میان فرد با والدین تأکید می‌کند.

ارزیابی فرضیه دوم: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میان فردی بودن انتخاب همسر و گرایش به ازدواج در بین جوانان، رابطه‌ای منفی وجود دارد؛ به صورتی که می‌توان گفت فردی بودن انتخاب همسر از سوی پاسخگویان موجب کاهش یا افزایش گرایش آنها به ازدواج می‌گردد. مثلاً جوانانی که گفته‌اند ملاک‌ها و نظرات والدینشان در انتخاب همسر مهم‌تر است، گرایش بیشتری به ازدواج دارند. یعنی فرد کاملاً تابع

دیدگاه‌های خانواده و اطرافیان است. نتایج این فرضیه نیز مشابه یافته‌های مرادی و صفاریان (۱۳۹۱) است که اشاره به فردی بودن ازدواج و لذت بردن از دوران مجردی دارد. **ارزیابی فرضیه سوم:** یافته‌های استنباطی تحقیق درباره آزمون رابطه میان پذیرش برابری جنسیتی و گرایش به ازدواج که در جدول (۳) خلاصه شده است، نشان می‌دهد که همبستگی معناداری بین این دو متغیر وجود ندارد. به بیان دیگر نمی‌توان گفت افرادی که تمایل به پذیرش برابری جنسیتی دارند/ ندارند، گرایش کمتر/ بیشتری به ازدواج دارند. بر این اساس گرایش به ازدواج، مستقل از دیدگاه جوانان نسبت به برابری جنسیتی است و باید به عوامل دیگر توجه داشت. البته نتیجه این فرضیه در یافته‌های مقابل یافته‌های رشوند سرخکوله و وجدانی (۱۳۹۹) قرار دارد. به عبارتی این پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که بین برابری جنسیتی و گرایش به ازدواج، رابطه‌ای معنادار و مؤثر وجود دارد که سبب کاهش تمایل جوانان به ازدواج خواهد شد.

ارزیابی فرضیه چهارم: نتایج نشان می‌دهد که میان بعد انتظارات آرمان‌گرایانه و گرایش به ازدواج، رابطه منفی وجود دارد؛ یعنی جوانانی که انتظارات آرمان‌گرایانه‌تری دارند، تصور می‌کنند که تا به اهداف و آرمان‌ها دست نیابند، نمی‌توانند ازدواج کنند. شکوری و همکاران (۱۳۹۷) نیز به نتایج مشابه‌ای دست یافته‌اند که نشان می‌دهد وجود انتظارات آرمان‌گرایانه، یکی از عوامل افزایش مجرد در استان همدان است.

ارزیابی فرضیه پنجم: نتیجه آزمون فرضیه رابطه معنادار میان داشتن تمکن مالی و گرایش به ازدواج نشان می‌دهد که بین این دو متغیر، رابطه معناداری وجود دارد؛ به طوری که هرچه تمکن مالی جوانان مورد بررسی افزایش می‌یابد، اندکی نیز گرایش آنها به ازدواج بیشتر شده، در واقع علاقه‌مند به ازدواج خواهند بود. به بیان ساده‌تر می‌توان گفت کسانی که توان مالی مناسب داشته، یا از حمایت‌های اقتصادی خانواده برخوردارند، تاحدودی گرایش بیشتری به ازدواج دارند تا کسانی که از چنین وضعیتی برخوردار نیستند. باقری و همکاران (۱۳۹۸) نیز در پژوهش خود، تمکن مالی را یکی از عوامل گرایش جوانان به مجرد معرفی و اثبات کرده‌اند که یکی از عوامل کاهش ازدواج، عدم تمکن مالی است.

ارزیابی فرضیه ششم: با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که رابطه‌ای مستقیم و متوسط بین دو متغیر اعتقاد به هزینه-فرصت بالای ازدواج و گرایش به ازدواج وجود

دارد. به بیان دیگر، جوانانی که قائل به هزینه- فرصت بالای ازدواج بودند، گرایش بیشتری نیز به ازدواج ابراز کرده‌اند. بر این اساس هرچه اعتقاد به هزینه- فرصت بالای ازدواج بیشتر باشد، گرایش به ازدواج بیشتر خواهد بود و بالعکس. این یافته، دلالت بر تأیید فرضیه یادشده مبنی بر وجود رابطه معنادار میان اعتقاد به هزینه- فرصت ازدواج و گرایش به ازدواج دارد. باتوجه به یافته‌های تحقیق به نظر می‌رسد که جوانان مورد بررسی، اعتقاد کمی به هزینه- فرصت محور بودن ازدواج دارند. به بیان دیگر ازدواج، هزینه- فرصت کمی در پی دارد و پس از ادواج نیز می‌توان به اهداف و خواسته‌های خود رسید. همچنین نیکخواه و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود یافته‌اند که باور بسیاری از جوانان به هزینه- فرصت بالای ازدواج سبب شده است که تمایلی به ازدواج نداشته باشند و به همین سبب مجرد را انتخاب کنند.

ارزیابی فرضیه هفتم: نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری میان گرایش به معاشرت و تعامل با جنس مخالف (خارج از چارچوب خانواده و نظارت والدین) در قالب روابط دوستانه و گرایش به ازدواج وجود دارد. بدین معنا که با افزایش این قبیل تعاملات، میزان گرایش به ازدواج با شدت متوسطی افزایش می‌یابد و برعکس. جوانانی که روابط دوستانه با جنس مخالف را مثبت‌تر ارزیابی کرده‌اند و بدان گرایش داشته‌اند، در مقایسه با دیگران، بیشتر میل به ازدواج داشته‌اند. با توجه به سطح اطمینان ۹۹ درصد، این نتیجه قابل تعمیم به جامعه آماری تحقیق است و می‌توان همواره این رابطه را انتظار داشت. خلج‌آبادی فراهانی و همکاران (۱۳۹۲) یافته‌اند که در دختران، روابط دوستانه سبب افزایش تمایل به ازدواج و در پسران، روابط دوستانه بدون اثر بر تمایل به ازدواج خواهد بود.

در مجموع به نظر می‌رسد که دلبستگی به والدین، انتظارات آرمان‌گرایانه، تمکن مالی، هزینه- فرصت و گرایش معاشرت، تعیین‌کننده‌های مجرد در بین جوانان مجرد باشد. از این‌رو هرگونه اقدام عملی و مداخله برای کاهش آمار مجردان و افزایش گرایش به ازدواج در بین جوانان استان همدان باید معطوف به این متغیرها باشد.

پیشنهاد می‌شود که برای استخراج راهکارهایی در حوزه متغیرهای یادشده، به برگزاری نشست‌های هم‌اندیشی با حضور افراد صاحب‌نظر و متخصص و حتی تعدادی از جوانان مجرد اقدام گردد. با این حال با توجه به یافته‌های تحقیق، در اینجا تعدادی

پیشنهاد نیز ارائه می‌گردد. بخشی از این دیدگاه که افراد تصور می‌کنند با ازدواج ضرر می‌کنند یا منافی است که می‌توانستند به دست آورند دیگر نمی‌توانند کسب کنند، غیر واقعی است. اگر چنین بود، کمتر فرد متأهلی باید موفق می‌بود! سعی در فرهنگ‌سازی و تغییر نگرش افراد نسبت به این دیدگاه از راه‌های مختلف همچون کارگاه‌های مهارت‌های زندگی، الگوسازی از افراد متأهل و غیره می‌توان تغییر داد. همچنین توصیه می‌گردد که برنامه‌های حمایت‌های مالی از جوانان به شیوه‌های مختلف در نظر گرفته شود تا این چالش در ازدواج تسهیل گردد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، تهران، سمت.
- آقایی، سید سعید و رؤیا طاهری بنچناری (۱۳۹۲) «نگرش جوانان به تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر در بالا رفتن سن ازدواج؛ مورد مطالعه، ناحیه ۲ و ۳ منطقه ۴ تهران سال ۱۳۹۱»، مطالعات جامعه‌شناختی ایران، سال سوم، شماره ۸، صص ۷۵-۹۴.
- التجائی، ابراهیم و مریم عزیززاده (۱۳۹۵) «بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج در ایران، یک مطالعه میان‌استانی»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال هفتم، شماره ۳ (پیاپی ۲۱)، صص ۱-۱۹.
- امامی، عادل و دیگران (۱۴۰۰) «تأخیر ازدواج در ایران، تحلیل تفاوت‌های شهرستانی در الگوهای تجرد مردان و زنان»، نشریه مطالعات جمعیتی، سال هفتم، شماره ۱، صص ۳۵-۶۵.
- انتظاری، اردشیر و دیگران (۱۳۹۶) «عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج جوانان در شهر تهران»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره هشتم، شماره ۳۳، صص ۲۰۱-۲۶۹.
- باقری، شهلا و دیگران (۱۳۹۸) «برساخت معنایی تأخیر سن ازدواج بر اساس نظریه زمینه‌ای (مطالعه موردی: دانشجویان دختر شهر مشهد)»، زن در توسعه و سیاست، دوره هفدهم، شماره ۱، صص ۴۹-۶۹.
- بودن، ریموند (۱۳۷۳) تحرک اجتماعی، ترجمه مومن کاشی، گناباد، مرندیز.
- بهنام، جمشید (۱۳۸۴) جمعیت‌شناسی عمومی، تهران، دانشگاه.
- تاج‌بخش غلامرضا و حانیه محمدی (۱۳۹۹) «واکاوی دلایل گرایش جوانان به زندگی مجردی و روی‌گردانی از ازدواج»، مجله جمعیت، بهار و تابستان، سال بیست‌وهفتم، شماره ۱۱۱، صص ۱۱۳-۱۳۳.
- چابکی، ام‌البنین (۱۳۹۵) «روایت دختران ۴۵ سال به بالای شهر تهران از علل تجرد قطعی»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، سال دهم، شماره ۲، صص ۱۰۲-۱۲۳.
- حبیب‌پور گتایی، کرم و غلامرضا غفاری (۱۳۹۰) «علل افزایش سن ازدواج دختران»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره نهم، شماره ۱، صص ۷-۳۷.
- حسینی، محمدرضا (۱۳۹۲) «بررسی آثار و پیامدهای رشد سریع جمعیت بر «مضیقۀ ازدواج» و تجرد دختران (تحلیلی بر تجرد قطعی دختران به‌مثابه یک مسئله اجتماعی؛ چالش‌ها و راهکارها)»، ماهنامه معرفت، دوره بیست‌ودوم، شماره ۶، صص ۱۱۷-۱۲۹.
- حسینی سید حسن و زینب ایزدی (۱۳۹۵) «پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان مجرد؛ جمعیت مورد مطالعه: زنان مجرد بالای ۳۵ سال شهر تهران»، فصلنامه مطالعات اجتماعی- روان‌شناختی زنان، دوره چهاردهم، شماره ۱، صص ۴۱-۷۲.

- حسینی، حاتم و دیگران (۱۳۹۸) «عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج دختران در شهرستان‌های ایران»، توسعه محلی (روستایی - شهری)، دوره یازدهم، شماره ۱، صص ۱۴۷-۱۷۲.
- خبرگزاری مهر (۱۴۰۲) «کاهش ۱۳.۵ درصدی ازدواج در استان همدان»، ۱۰ آبان، قابل دسترسی در: <https://mehrnews.com/x33nK2>
- خلج‌آبادی فراهانی و دیگران (۱۳۹۲) «بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال نهم، شماره ۳۳، ص ۷.
- رحیمی، علی و دیگران (۱۳۹۴) «تحلیل گذار تجرد زنان و مردان در ایران طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، سال نهم، شماره ۳، صص ۸۰-۱۰۹.
- رشوند سرخکوله، مرجان و فاطمه وجدانی (۱۳۹۹) «مطالعه رابطه فردگرایی و برابری جنسیتی با ارزش ازدواج (مورد مطالعه: دختران ازدواج‌نکرده ۲۰ تا ۳۴ ساله شهر تهران)»، علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره هفدهم، شماره ۲، صص ۱۲۵-۱۶۱.
- رضادوست، کریم و ایمان ممینی (۱۳۹۰) «بررسی رابطه بین تأخیر سن ازدواج و متغیرهای میزان درآمد، میزان تحصیلات و تعدادی دیگر از متغیرها در زنان شاغل»، دوفصلنامه مشاوره کاربردی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره اول، سال اول، شماره ۱، صص ۱۰۵-۱۲۲.
- رهبر، زینب (۱۳۹۳) «بررسی تأثیر عوامل تأخیر در سن ازدواج دختران تحصیل‌کرده و شاغل بر نگرش آنها نسبت به همسان‌همسری در دستگاه‌های اجرایی استان سمنان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، به راهنمایی دکتر روزا اکرم‌پور، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد، تهران مرکز.
- سرای، حسن و سجاد اوجاقلو (۱۳۹۲) «مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران (مطالعه موردی: زنان شهر زنجان)»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره ۴، پاییز، صص ۱۹-۴۱.
- شعاع کاظمی، مهرانگیز و فرح فرازنده‌پور (۱۳۹۸) «رابطه بین سبک زندگی و تأخیر سن ازدواج در دانشجویان»، پژوهش‌نامه سبک زندگی، شماره ۹، صص ۱۲۵-۱۳۹.
- شکوری، اعظم و دیگران (۱۳۹۷) «عوامل مؤثر بر عدم تمایل به ازدواج در بین کارکنان مجرد ادارات شهرستان همدان»، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، سال هفدهم، شماره ۴۱، صص ۶۵-۹۴.
- شهنواز، سارا و دیگران (۱۳۹۹) «احتمال وقوع و تحلیل حساسیت پیشران‌های تجرد در ایران ۱۴۱۴»، فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، سال هجدهم، شماره ۴۶، صص ۱۹۵-۲۲۰.
- عباسی شوازی، محمدجلال و مرجان رشوند (۱۳۹۶) «سهم ارزش ازدواج بر وضعیت ازدواج زنان ۲۰-۳۴ ساله شهر تهران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال دوازدهم، شماره ۲۴، صص ۱۳۵-۱۶۹.

عسکری ندوشن، عباس و دیگران (۱۳۹۷) «تفاوت‌های اقتصادی- اجتماعی مرتبط با سن ازدواج زنان در ایران؛ مطالعه تطبیقی دختران جوان در آستانه ازدواج و زنان همسر دار ۱۵-۴۹ ساله»، مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، دوره بیستم، شماره ۷۹، صص ۱۷۱-۲۱۰.

علیزاده، سعیده و دیگران (۱۴۰۰) «اثر بخشی آموزش خودشفقت‌ورزی شناختی بر ادراک اجتماعی مجرد و باور به دنیای عادلانه در دختران مجرد»، فصلنامه مطالعات روان‌شناختی، سال هفدهم، شماره ۴، صص ۱۲۱-۱۴۰.

فخرایی، سیروس و مهناز پورتنقی (۱۳۹۴) «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با ازدواج دیررس جوانان ازدواج کرده بالای ۳۰ سال شهر بناب»، مطالعات جامعه‌شناسی، دوره هفتم، شماره ۲۷، صص ۶۳-۸۰.

فضل‌الهی قمشی، سیفالله و حیدرعلی جهانبخشی (۱۳۹۷) «سن ازدواج دانشجویی و قدرت تبیین‌کنندگی عوامل مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در افزایش آن»، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، دوره هشتم، شماره ۱، صص ۱۲۹-۱۴۰.

کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۸) «سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواج‌های دانشجویی»، فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۲، تابستان، صص ۷۵-۹۶.

کریمی آکندی، سید جابر (۱۳۹۰) «بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر در سن ازدواج دختران ۲۵-۲۹ سال شهرستان ساری»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، به راهنمایی دکتر زهرا حضرتی صومعه، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکز.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸) پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، مرکز. لوکاس، دیوید و پاول میر (۱۳۸۱) درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه حسین محمودیان، تهران، دانشگاه تهران.

مجدالدین، اکبر (۱۳۸۶) «بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آشتیان»، فصلنامه پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳، صص ۳۷۵-۳۸۶.

محمدپور، علی و نعمت‌الله تقوی (۱۳۹۲) «عوامل اجتماعی بالا رفتن سن ازدواج»، مطالعات جامعه‌شناسی، سال پنجم، شماره ۲۰، ص ۳.

مرادی، گلمراد و محسن صفاریان (۱۳۹۱) «عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)»، مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال سوم، شماره ۷، صص ۸۱-۱۰۸.

معمار، ثریا و بهجت یزدخواستی (۱۳۹۴) «تجارب زیسته دختران شاغل ۳۰ تا ۴۹ سال از مجرد»،

- نشریه مسائل اجتماعی ایران، سال ششم، شماره ۲، صص ۱۴۹-۱۷۲.
- مهدوی، محمدصادق و دیگران (۱۳۹۵) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بی‌رغبتی جوانان شهری به ازدواج (مورد مطالعه: شهر تهران)»، مطالعات جامعه‌شناسی شهری، دوره ششم، شماره ۱۳، صص ۳۳-۶۰.
- نوروزی، اعظم و دیگران (۱۴۰۱) «پایداری ازدواج بر اساس کیفیت رابطه والدین و دل‌بستگی، نقش میانجی خودشیفتگی، بیگانگی و تجربه مایی»، رویش روان‌شناسی، سال یازدهم، شماره ۵، صص ۱۸۳-۱۹۶.
- نیک‌پور، عامر و میلاد حسنعلی‌زاده (۱۳۹۹) «تحلیل فضایی وضعیت زناشویی در نواحی شهری و روستایی ایران»، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دهم، شماره پیاپی ۳۷، صص ۱۷-۳۲.
- نیکخواه، نعمت‌الله و دیگران (۱۳۹۶) «سنجش نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر در آن»، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره بیست‌وهشتم، شماره ۳، صص ۹۹-۱۲۲.

- Berger, P., & Luckmann, T. (2023) The social construction of reality. In Social theory re-wired (pp. 92-101) Routledge.
- Bloome, D. , & Ang, S. (2020) Marriage and Union Formation in the United States, Recent Trends Across Racial Groups and Economic Backgrounds. *Demography*, 57(5), 1753–1786. <https://doi.org/10.1007/s13524-020-00910-7>
- Dassonneville, R. (2013) Questioning generational replacement. An age, period and cohort analysis of electoral volatility in the Netherlands, 1971–2010. *Electoral Studies*, 32(1), 37-47.
- Döbler, T. (2022) The social Construction of Reality, A treatise in the sociology of knowledge, von Peter L. Berger & Thomas Luckmann (1966) In *Schlüsselwerke, Theorien (in) der Kommunikationswissenschaft* (pp. 171-186) Wiesbaden, Springer Fachmedien Wiesbaden.
- Dribe, M., & Lundh, C. (2014) Social norms and human agency, Marriage in nineteenth, century Sweden. <https://doi.org/10.7551/mitpress/9780262027946.003.0007>.
- Dribe, M., Manfredini, M., & Oris, M. (2014) The roads to reproduction, Comparing life-course trajectories in preindustrial Eurasia. Similarity in difference, Marriage in Europe and Asia, 1700-1900. <https://doi.org/10.7551/mitpress/9780262027946.003.0004>.
- French, J. E., & Meltzer, A. L. (2019) Maximizing tendencies in marriage, Accentuating the implications of readily observable partner characteristics for intimates' satisfaction. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 45(10), 1468-1481. <https://doi.org/10.1177/0146167219832337>.
- Garenne, M. (2016) Dynamics of Marriage and Infertility in South Africa, An Analysis of Census Data, *African Population Studies*, 30(2), 2550-2563. <https://doi.org/10.11564/30-2-866>.

- Gebel, J. Heyne, S. (2016) Delayed transitions in times of increasing uncertainty. Schoolto-work transition and the delay of first marriage in Jordan. *Research in social stratification and mobility* 46(Part A), 61-72. <https://doi.org/10.1016/j.rssm.2016.01.005>.
- Haller, M. (2002) Theory and method in the comparative study of values, *Critique and alternative to Inglehart*. *European sociological review*, 18(2), 139-158.
- Hendricks, J., Powell, J., & Sheppard, R. (2009) Gender, marriage, and family in post-industrial society, An international perspective (pp. 99-124) Springer New York. https://doi.org/10.1007/978-1-4419-0066-1_6.
- Hossain, M. and R. Islam. (2013) Effects of Socio-Economic and Demographic Variables on Age at First Marriage in Bangladesh, *Current Research Journal of Biological Sciences*, 5(4), 149-152. <https://doi.org/10.19026/crjbs.5.5480>.
- Ikamari, L. (2005) The Effect of Education on the Timing of Marriage in Kenya, *Demographic Research*, Vol 12, 1-28. <https://doi.org/10.4054/DemRes.2005.12.1>.
- Inglehart, R., & Baker, W. E. (2000) Modernization, cultural change, and the persistence of traditional values. *American sociological review*, 19-51.
- Jelnov, P. (2023) Age at Marriage. In *Handbook of Labor, Human Resources and Population Economics* (pp. 1-28) Cham, Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-319-57365-6_367-1.
- Kashyap, R. , Esteve, A. , & García-Román, J. (2015) Potential (Mis)match? Marriage Markets Amidst Sociodemographic Change in India, 2005-2050. *Demography*, 52(1), 183–208. <https://doi.org/10.1007/s13524-014-0366-x>.
- Lewin, Alisa C. (2012) Marriage Patterns among Palestinians in Israel. *European Journal of Population* 28(3) Pp. 359-380. <https://doi.org/10.1007/s10680-012-9264-3>.
- Maliki, A. E. (2011) Socio-economic status and preferences in marriage partner selection among university undergraduates in south-south of Nigeria. *Edo Journal of Counselling*, 4(1-2), 39-49. <https://doi.org/10.1080/09764224.2011.11885456>.
- Mensch, B. , S. Singh, & J. Casterline (2005) Trends in the Timing of First Marriage among Men and Women in the Developing World, *Population Council*, New York 10017 USA. Moro, A. , S. Mosl. <https://doi.org/10.31899/pgy6.1096>.
- Oppenheimer, J. A. (2008) Rational choice theory. *Encyclopedia of political theory*, 3, 1150-1159.
- Phonchua, J. , Podhisita, C. , Jampaklay, A. , & Rittirong, J. (2017) Marriage in Kanchanaburi Province, Thailand, Who Delays, Who Does Not? *Journal of Population and Social Studies*, 25(4), 358-372. <https://doi.org/10.25133/JPSSv25n4.005>.
- Saadati, M. , & Bagheri, A. (2018) Determinants of Iranian youths' marriage age, A parametric survival analysis approach. *Social Determinants of Health*, 3(4), 177-185. <https://doi.org/10.22037/sdh.v3i4.18529>.
- Salem, R. (2016) The gendered effects of labour market experiences on marriage timing in Egypt. *Demographic Research*, 35(11) Pp. 283–314. <https://doi.org/10.1891/2330-9116.35.11.283>.

- org/10.4054/DemRes.2016.35.11.
- Schneider, D. , Harknett, K. & Stimpson, M. (2019) Job Quality and the Educational Gradient in Entry into Marriage and Cohabitation. *Demography* 56, 451–476 (2019) <https://doi.org/10.1007/s13524-018-0749-5>
- Sheykhi, M. T. (2020) Worldwide increasing divorce rates, a sociological analysis. *Konfrontasi, Jurnal Kultural, Ekonomi Dan Perubahan Sosial*, 7(2), 116-123. <https://doi.org/10.33258/konfrontasi2.v7i2.105>.
- Song Lee, B. Klein, J. L. Wohar, M. Kim, S. (2016) Factors delaying marriage in Korea, an analysis of the Korean population census data for 1990–2010. *Asian Population Studies*. 17(2), 1-23. <https://doi.org/10.1080/17441730.2020.1781380>.
- Stevenson, B., & Wolfers, J. (2007) Marriage and divorce, Changes and their driving forces. *Journal of Economic perspectives*, 21(2), 27-52. <https://doi.org/10.1257/jep.21.2.27>.
- Yaseen, K., & Osman, H. (2021) Cultural change in Modern world history. *International journal of Engineering, Business and Management*, 5(1).
- Yu, J. , & Xie, Y. (2015) Changes in the Determinants of Marriage Entry in Post-Reform Urban China. *Demography*, 52(6), 1869-1892. <https://doi.org/10.1007/s13524-015-0432-z>.
- Yurovich, L. (2010) Men's and Women's Economic Activity and First Marriage, Jews in Israel, 1987-1995, *Demographic Research*, 22, Article 29. <https://doi.org/10.4054/DemRes.2010.22.29>.